

آغاز روزنامه‌نگاری در خراسان

آفرینش روزنامه و روزنامه‌نگاری در ایران نسبتاً جدید است. در همان حالیکه لغت روزنامه عمر طولانی و استاد هزارساله دارد.^۱ اگر طلیعه کاغذ اخبار^۲ را که در عشر آخر رمضان المبارک سال ۱۸۳۷ م/ ۱۲۵۳ هـ ق یعنی قریب سه ماه قبل از صدور اولین شماره روزنامه میرزا صالح^۳، کاغذ اخبار^۴ که در بیست و پنجم محرم سال ۱۸۳۷ م/ ۱۲۵۳ هـ ق به چاپ رسیده است^۵، اولین شماره روزنامه چاپی فارسی در ایران بشمار آوریم، تاریخ روزنامه‌نگاری در ایران حدود یکصد و پنجاه و هشت سال است که نسبت به زمان انتشار نخستین روزنامه‌ها در پایان قرن پانزدهم میلادی عمر چندان طولانی نخواهد داشت^۶. با توجه به اینکه نخستین روزنامه خراسان (مشهد) روزنامه ادب بوده که روز چهارم ماه رمضان سال ۱۹۰۱ م/ ۱۳۱۸ هـ ق منتشر شده است، از آغاز انتشار مطبوعات در خراسان بیش از نود و دو سال نمیگذرد و از انتشار نخستین روزنامه ایران (تهران) تا آغاز کار روزنامه‌نگاری در خراسان (مشهد) شصت و شش سال فاصله است.

اما چاپ روزنامه به زبان فارسی عمر طولانی‌تری دارد. در کتاب «مطبعه خارج از فرنگستان»^۷ در ذیل ماده دهلی ذکر شده که روزنامه هفتگی اخبار ایرانی^۸ در سنه ۱۷۹۷ م مطابق ۱۳-۱۲۱۲ هـ ق در آن شهر منتشر شده است^۹ که چهل سال نسبت به انتشار کاغذ اخبار حق تقدم دارد.

استاد محیط طباطبائی می‌نویسند:

«بشتر است که آغاز پیدایش روزنامه به زبان فارسی را از هند دانست، این قید زمان معین مربوط به چاپ روزنامه در ایران است ولی با توجه باینکه در آغاز سده سیزدهم هجری یا نوزدهم میلادی، زبان فارسی هنوز زبان رسمی و ادبی کشور هند و در آن سرزمین مورد احتیاج و استفاده عمال حکومت شرکت شرقی بوده به همین اندازه از مقدم زمانی برای تأسیس روزنامه در ایران قناعت ورزیده و در عالم تصور نباید سابقه وجود آن را در این کشور بر سابقه وجود آن در چین و روم مقدم پنداشت»^{۱۱}

با توجه به عدم دسترسی به اسناد و مدارک مربوط به وضع روزنامه نگاری و انتشار روزنامه در هند و روشن نبودن وضعیت کلی روزنامه‌های منتشر شده به زبان پارسی در آن کشور، استاد اضافه می‌نمایند:

«چون هنوز حساب کاملی از روزنامه‌های فارسی چاپ هندوستان و در دوران حکومت کمپانی شرقی برگرفته نشده، احتمال می‌رود در آینده از فاصله زمانی ۱۷۸۰ م/ ۱۱۹۴ هـ ق که نخستین نمونه، مطبوعات هند به زبان انگلیسی در بنگال انتشار یافت تا انتشار مرآت الاحوال فارسی که در ۱۸۲۰ م/ ۱۳۲۴ هـ ق بوسیله راماموهای روی مصلح مذهبی هند در کلکته منتشر گردید، بتوان نمونه‌های دیگری هم جست و یافت»^{۱۲}.

از مقایسه تاریخ انتشار روزنامه مرآت الاحوال و روزنامه میرزا صالح حق تقدم مرآت الاحوال جای شک و شبهه را باقی نمی‌گذارد، در همان حال باید دانست که وضع روزنامه نگاری در هند نیز از ثباتی برخوردار نبوده و تابع قوانین استعماری بوده است. استاد طباطبائی می‌نویسند:

«انتشار مرآت الاحوال در سال ۱۸۲۰ م/ ۱۳۳۴ هـ ق صورت گرفته که بر تاریخ ظهور روزنامه میرزا صالح قریب سی سال تقدم زمانی دارد.

این روزنامه را مانند نظائر آن، مقررات دولتی پس از آغاز مبارزه بر ضد استعمال زبان فارسی در هند تعطیل کرد و راموهای روی را به هم‌کاری با روزنامه بنگادت = بنگال هرالد جلب کرد که به سه زبان انگلیسی، بنگالی و فارسی انتشار می‌یافت»^{۱۲}.

با توجه باینکه اخبار را در هندوستان روزنامه گویند^{۱۳} بنظر می‌رسد که همان اخبار ایرانی را نخستین روزنامه چاپ شده به زبان فارسی در خارج از ایران دانست و با توجه به اینکه چاپ روزنامه و روزنامه‌نویسی بعد از ظهور صنعت چاپ و تکامل تدریجی آن صورت گرفته است و این مسئله در رابطه با پیشرفت صنعت چاپ در غرب است و اگرچه «چینیها در اختراع فن چاپ به هر دو صورت حکاکی روی چوب و حروف متحرک، بر اروپا و آسیای غربی حق سبقت و قدمت دارند و در ترکیب مرکب و ساختن کاغذ از مواد نباتی هم پیشوای عالمیان به شمار می‌آید»^{۱۴}، اما صورت امروزه چاپ روزنامه و روزنامه‌نگاری در ارتباط کامل با غرب و چگونگی پیشرفت فن چاپ در آن قاره بوده است.

اما ایجاد اولین مطبعه در ایران دارای تاریخ معینی نیست، اگرچه این امر در عصر صفویان و اوایل قرن یازده میلادی صورت گرفته و مطبعه هم معروف به «باصه‌خانه»^{۱۵} شده بود، چنانکه آزدوست ژوزف^{۱۶} از مبشرین و پادریان^{۱۷} فرقه نصارای کرملیط^{۱۸} از اهل تولوز در کتاب «لغت فرنگی و پارسی» خرد موسوم به Gazphylacium Linguae Persarum که در حدود سنه / ۱۰۸۱ هـ ق تألیف کرده و در سنه / ۱۰۹۶ هـ ق به طبع رسانیده، در تحت عنوان کلمه «باصه‌خانه کارخانه بصحی، مطبع» چنین می‌نویسد،

«حضرات پادریان کرملیط میدانی میر بصمه‌خانه عربی و فارسی در عبادتخانه خودشان در اصفهان برپا و دایر کرده بودند و هنوز دارند، ارامنه نیز در جلفا بصمه ارمنی دارند»^{۱۹}

اما ایرانیان خود صاحب چاپخانه نبودند، اگرچه شاردن ۱۶۴۳-۱۷۱۳م/ ه ق ۱۱۲۸-۱۰۵۸ ه ق سیاح فرانسوی در کتاب خود می نویسد .

«ایرانیان صد دفعه تا حال خواسته اند مطبعه داشته باشند. فواید و منافع آنرا می دانستند و می بینند و ضرورت آنرا می سنجند لکن تا حال کامیاب نشده اند . برادر وزیر اعظم [Grand Maitre = مجتهد بزرگ] که آدم خیلی عالم و مقرب شاه است در سنه ۱۴۰۲ م / ۱۰۸۷ ه ق از من خواست تا عمله از فرنگ بیاورم که این کار را به ایرانیان بیاموزد و کتب مطبوع عربی و فارسی را هم که من باو داده بودم به شاه نشان داد و اجازه گرفته بود ولی وقتی که پای پول به میان آمده چیز بهم خورد»^{۲۰}

این وضع تا سالهای حکومت فتحعلیشاه ادامه پیدا کرد که در آن دوره در سال ۱۸۱۸ م / ۱۲۳۳ ه ق زین العابدین تبریزی اسباب آلات مختصر باصه خانه طیوگرافی^{۲۱} یعنی چاپ حروفی را به تبریز آورد و با حمایت عباس میرزا نایب السلطنه اولین مطبعه را برقرار کرد، حدود یکصد و پنجاه سال از عصر شاردن فرانسوی می گذشت^{۲۲} .

ما در مورد آغاز کار چاپخانه سربی یا سنگی در خراسان اطلاع کامل نداریم ولی به یقین قبل از چاپ روزنامه در این ایالت بوده است و همچنین با خاطر جمعی می توان بیان داشت که این کار توسط غیر خراسانیها صورت گرفته است . رجب طارمی = علی فریم، مدیر روزنامه ایران نما در جزوه روزنامه نگاری خود می نویسد، اولین چاپخانه سربی که به مشهد وارد شد از راه تفریس و کارکنان آن ترک بودند و اصطلاحات چاپی مانند رامکا = چهارچوب، نسیک = حاشیه و .. از آن دوران باقی است»^{۲۳} .

در دوران نخست مشروطیت وضع مطبعه در خراسان «مشهد» تغییر کرد و بهبود یافت و چاپ روزنامه ها افزایش پیدا نمود .

قبل از انتشار روزنامه در خراسان تعداد محدودی روزنامه از خارج کشور بویژه

هند، مصر، ترکیه، قفقازیه و داخل کشور، بخصوص تهران، به مشهد می‌رسید و توزیع می‌شده است، علی‌فریمن در این مورد می‌نویسد:

«قابل توجه این است که روزنامه‌هایی که از خارج کشور می‌آمد و به زبان ترکی نوشته می‌شد، در مشهد هواخواهان فراوان داشت و بخصوص آنهایی که دارای تصویر بودند و یا کاریکاتورهای جالب چاپ می‌کردند خواننده بیشتر و هواخواهان زیادتری داشت»^{۲۴}

هنگام انتشار نخستین روزنامه خراسان «مشهد» بازم انتشارات خارجی و داخلی در خراسان خریداران فراوانی را به خود اختصاص داده بود.

در مطالعه مجموعه این روزنامه‌ها باید گفت کلمات و لغات ترکی، فارسی و عربی باهم بکار برده می‌شد و مورد پذیرش مردم هم قرار می‌گرفت و گاهی هم بعضی از روزنامه‌نگاران سعی می‌کردند ابداعات جدیدی از خود نشان دهند و لغات جدید و بویژه فارسی را مرسوم سازند، چنانکه ادیب‌السالک در روزنامه خود، ادب، این مسئله را دنبال می‌کرد^{۲۵}

روزنامه‌ها گاهی نخست نشر عقاید سیاسی را دنبال می‌کردند ولی بعد از مدتی جنبه ادبی و تاریخی آنها بر مسائل سیاسی و اجتماعی می‌چربید و یا بالعکس.

قبل از جنبش و آغاز مشروطیت فعالیت‌های روزنامه‌نگاری در خراسان رونق نداشت، شرایط اجتماعی حاکم بر این استان وسیع مانند سایر نواحی ایران، حکایت از یک نوع حکومت گسترش یافته بر پایه استبداد مطلق بوده است، استبدادی که باروری زمینه‌های مختلف جامعه را از مردم سلب کرده بود و یک رخوت کلی مبتنی بر قبول جبر و حکومت آن بر سر نوشت انسان در میان مردم جای ویژه‌ای را یافته بود و عکس العمل مردم در مقابل رویدادها فاقد رنگ و رو و یا رنگ‌ورو باخته بود. نباید هم توقع داشت که با وجود عقب‌ماندگی‌های وسیع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... که گریبانگیر جامعه، بویژه مردم ایالات و ولایت و آنهم خراسان بود،

مردم ناگهانی این توانندی را به دست آورند که دگر گونیهای وسیعی را در ساخت جامعه خود ایجاد نمایند.

خراسان مرکز برخورد دو قدرت استعماری (انگلیس - روس) به حساب می آمد و از نقاطی بود که مردم بواسطه فشارهای سرکوب کننده داخلی و خارجی و اختلاف میان قبایل و تیره های گوناگون مقیم آن، کسی دیرتر از سایر نواحی ایران وارد معرکه آزادی گردیدند و بهین علت گروهی از نویسندگان و محققین آنها را به طرفداری از استبداد نسبت داده اند.

در آغاز انتشار نخستین روزنامه خراسان، حکومت این ناحیه با نیرالدوله «که شخصی متفرعن و خودپسند و مانند اکثر حکام ولات و وزراء طماع و اخاذ است»^{۲۶} بود، حکمرانی که در هنگام انتخابش به حکومت تهران گفته شده بود.

نیرالدوله و حکومت ری! خبط ای دور آسمان تاکی؟

این و قرب ملوک، به به به این و حسن سلوک، هی هی هی^{۲۷}

باتوجه به خصوصیات والی خراسان انتشار ادب نخستین روزنامه این استان را نمی توان کار ساده و خردی به حساب آورد، مگر اینکه ادب خود نخست ستایشگر والی باشد که اینچنین نیز بوده است^{۲۸}.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

روزنامه ادب

روزنامه ادب در روز چهارم ماه رمضان المبارک سال ۱۳۱۸ هـ ق مطابق با ۱۹۰۱م در مشهد منتشر شد^{۲۹}، در سرلوحه آن آمده بود:

«روزنامه ایست علمی و ادبی و سیاسی و تجاری و تاریخی و هر گونه

لایحه مفید که منافی بادین و دولت نباشد بشرط امضاء در آن درج می شود»^{۳۰}

هر شماره روزنامه ادب در هشت صفحه بقطع ۲۰×۳۰ سانتی متر و با چاپ سنگی

خط نستعلیق طبع می گردید. اداره آن نخست در کوچه باغ عنبر بوده و هر هفته روز

چهارشنبه طبع و توزیع میگردید^{۳۱} و مجموعه شماره‌های سال اول آن چهل و هشت شماره و مشتمل بر سیصد و هشتاد و چهار صفحه بوده است^{۳۲}.

روزنامه ادب توسط میرزا صادق امیری (ادیب الممالک) که در پنجشنبه چهاردهم محرم سال ۱۲۷۷ هـ ق^{۳۳} در قریه گازران از محال فراهان و توابع سلطان آباد عراق (اراک) متولد گردید منتشر میشد^{۳۴} قبل از این او روزنامه خود را بهمین نام در سنه ۱۳۱۶ هـ ق در شهر تبریز تأسیس کرد^{۳۵} که رو به سرشته بیست و دو شماره از آن منتشر نمود که نخست با خط نستعلیق و سپس با خط نسخ بود^{۳۶}. ادیب الممالک در اوائل سال ۱۳۱۸ هـ ق از تبریز به قفقازیه رفت^{۳۷} و از آنجا به خوارزم سفر کرد^{۳۸} و سپس عازم مشهد گردید^{۳۹} و از روز چهارم ماه رمضان المبارک سال ۱۳۱۸ هـ ق تا شوال ۱۳۲۰ هـ ق روزنامه خود را در این شهر منتشر نمود^{۴۰}.

با توجه بوضع روزنامه نگاری در آن روزگار، که روزنامه منعکس کننده خصوصیات اخلاقی و شخصیت منتشرکننده آن بود و از هیئت مدیره و ... در اداره روزنامه خبری نبوده است، اجمالاً گزارشی کوتاه از زندگانی و طرز تفکر ادیب الممالک را بیان می‌داریم.

ادیب الممالک، میرزا محمد صادق امیری فرزند میرزا حسین و نواده میرزا معصوم متخلص به محیط [برادر زاده میرزا ابوالقاسم قائم مقام وزیر معروف محمدشاه قاجار، صاحب دیوان و منشآت] است^{۴۱} و مادر پدرش نیز دختر میرزا ابوالقاسم قائم مقام بوده^{۴۲} که در ربیع الاول سال ۱۳۱۴ هـ ق از طرف مظفرالدین شاه به لقب ادیب الممالک ملقب شد، و قبل از آن لقب امیر الشعراء داشت^{۴۳}. ادیب الممالک که بر اثر درگذشت پدرش در ۱۲۹۱ هـ ق و فشار طلبکاران و تصرفات شاهزاده عبدالحمید میرزا ناصر الدوله^{۴۴} حکمران و رئیس قشون اراک در سال ۱۲۹۳ هـ ق پیاده به تهران رفت^{۴۵} و بعد از چندی به شاهزاده طهماسب میرزا مؤید الدوله^{۴۶} مرتبط شد و با حسنعلی خان امیر نظام گروسی^{۴۷} که وزیر فواید عام بود آشنا شد و به مناسبت نام او متخلص

خود را از پروانه به امیری مبدل ساخت^{۴۸}.

ادیب الممالک از نخستین کسانی بود که به «لژیبیداری ایران»^{۴۹} که نخستین انجمن فراماسونری ایران بود پیوست^{۵۰} و قصیده‌ای در ستایش «مجمع فراماسون» گفته است که در دیوان او آمده است^{۵۱}، وحید دستگردی که دیوان او را به چاپ رسانده، در آخر این مثنوی می‌نویسد:

«شرح مثنوی فراماسون بسی مفصل‌تر از این بود، به خط استاد»

ولی ما خلاصه آن را نگاشتیم^{۵۲}.

این قصیده نزدیک به ششصد و بیست است و چنانکه خود ادیب گوید آنرا در سال ۱۳۲۵ هـ ق سروده است^{۵۳}. و این بعد از آمدن ادیب از خراسان به تهران است که در سال ۱۳۳۱ هـ ق بوقوع پیوسته^{۵۴}. برخی از ابیات این قصیده چنین است:

سرنامه بنام آن معمار که برافراشت این بلند حصار

* * *

هست پیدا براهل دانش و ویر
درفرانسه ز شرق اعظم تاغت
وز خطوط شعاعی آن مهر
نور بگرفت سطح عالم را
تا از آن نور سنگها بگداخت
وندرد آن معبد ستوده یاک
بنده را هم برادران ز کرم

* * *

مجمع فرقه فراماسن
فکر و دانش همی کند تعلیم
گر بگوید کسی تورا سختی
که بجا مانده از زمان کهن
بی‌ریا بر برادران تسلیم
کو تو هستی برادر ماسن!

پاسخش ده که زمره اخوان خوانده اند اینچنین مرا بجهان

* * *

بنده خاندان مصطفوی
که ادیب الممالکش لقب است
خواهد از دولت فراماسن
احقر الخلق صادق العلوی
چون هو اخواه دانش و ادب است
جهل را بر کند ز بیخ و بن^{۵۵}

ادیب السالك هنگامیکه ندیم السلطان^{۵۶} وزیر انطباعات روزنامه ایران سلطانی^{۵۷} را دایر کرد سردبیری آن را داشت^{۵۸} و تا اواخر سال ۱۳۲۱ هـ ق در آنجا کار میکرد و بعدها به قمقاز رفت و در سال ۱۳۲۳ هـ ق در اداره روزنامه ارشاد ترکی که در تحت مدیریت احمد آقا یوسف قرباغی = احمد بیگ آقا یوسف قره باغی در بادکوبه تأسیس شده بود شرکت کرد و یک ورق فارسی ارشاد^{۵۹} روزانه که «به نشر و گسترش افکار انقلابی و اندیشه های ترقی می پرداخت»^{۶۰} ضمیمه ارشاد ترکی می نوشت^{۶۱}. بعد از اعلان مشروطیت به تهران بازگشت و در سال ۱۳۲۴ هـ ق در هشتم شوال که روزنامه مجلس^{۶۲} در تحت مدیریت میرزا محمد صادق طباطبائی^{۶۳} دایر گردید سردبیری آن را بعهده گرفت و «نویسنده مهم و درجه اول آن بود»^{۶۴}. در سنه ۱۳۳۵ هـ ق جزو انجمن (عراق عجم)^{۶۵} که یکی از انجمنهای دوره اول مشروطیت بود وارد شد و روزنامه ای به اسم عراق عجم^{۶۶} منتشر نمود^{۶۷}. مدتی هم مدیریت روزنامه آفتاب^{۶۸} را داشت که با سرپرستی حبیب الله آموزگار از بیست و نهم محرم سال ۱۳۲۹ هـ ق با هزینه دولت چاپ میشد و وظیفه حمایت از صنایع السلطنه^{۶۹} و ناصر الملک^{۷۰} را بر عهده داشت^{۷۱}. بعد از کودتای ناصر الملکی از سیاست کناره جسته بود و در دوره «دوم مشروطیت»^{۷۲} ادیب السالك بمقام رئیس عدلیه عراق عجم و در سالهای ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹ هـ ق و سپس در سال ۱۳۳۰ هـ ق رئیس عدلیه سنان بود و در ۱۳۳۲ هـ ق از طرف وزارت داخله مدیر روزنامه نیم رسمی آفتاب شد و در ۱۳۳۴ هـ ق به ریاست صلحیه ساوجبلاغ تهران مأمور گردید و در ۱۳۳۵ هـ ق به ریاست عدلیه یزد رسید و در آنجا سکنه کرد^{۷۳} و در

همان سال در بیست و هشت ربیع الثانی این جهان پرقیل و قال را بدرود گفت^{۷۴} و در امامزاده عبدالعظیم در صحن مرحوم آقا محمدصادق مجتهد طباطبائی و در حجره مرحوم میرزا ابوالحسن خان قائم مقام مدفون گردید^{۷۵}.

ادیب الممالک اندک مدتی پس از مشروطیت تغییر رویه داد، شاید انتظارات او از مشروطیت که کلاف سردرگمی شده بود برآورده نشده بود، بدین ترتیب گاهی از وزیران

این وزیران کرده اند اندر مملکت کاری که کرد

برق، باخرمن، شرر باپنبه، کرگک اندر کله^{۷۶}

و زمانی از اقدامات مجلسیان

مجلس شورای ملی جنگلی شد کاندر آن

روبهان آزاد گردیدند و خرکوشان یله^{۷۷}

می نالید و یا در ترجیع بند مفصلی در نکوهش مشروطه خواهان دروغی و

زامداران پس از بمباردمان رواق مطهر امام هشتم می گوید :

این چه مشروطه منحوسی بود

که در رنج بر این خلق کشود

این چه عدل است که از ما بستند

هر چه بخشنده منان بخشود

دیده در خون جگر زد غوطه

باد لعنت به چنین مشروطه^{۷۸}

ادیب الممالک شاعری توانا، بویژه در قصیده سازی بوده است^{۷۹}. هنگامیکه براه

روزنامه نگاری افتاد «مردی آزادیخواه و متجدد است، طلوع انقلاب را می ستاید»^{۸۰}.

او کار روزنامه نگاری را خرد نمی شمارد و همانطور که خود او در نخستین شماره

ادب می نویسد :

بر سر آنم که گر زدست برآید
دست بکاری ز نم که غصه سراید^{۸۱} .

و آنرا «کار شکر و خیال مقدس میداند»^{۸۲} و میخواهد افکار و وطنپرستی را در ملت رسوخ دهد و باشور و احساسات از وضع و رفتار دهقانان ایران سخن می گوید^{۸۳}، در حالیکه در قصاید قبلی خود مداحی را پیش گرفته است^{۸۴} .

ادیب الممالک را «روزنامه نگاری با سابقه و نو اندیش می نامند»^{۸۵} که «دارای قلمی ورزیده و روزنامه نگاری کاردان و نکته سنج به حساب می آید»^{۸۶} .
نوشته ادیب الممالک درباره فواید روزنامه پرارزش است، سالها بعد که روزنامه ادب از مشهد به تهران منتقل گردید او می نویسد :

«بعضی اشخاص نمیدانند که روزنامه چیست و برای چه خوب است، گمان می کنند که فقط روزنامه وضع شده است از برای اینکه بمدح و قدح ملتی یا دولتی یا شخص محترمی یا مرد محتشمی پردازد .. باین ترتیب که نگارنده آن با فلان عزیز غرضی به سرسائیده ویرا خواری و اهانت رساند . یا از فلان سقله پست فطرت مبتذل رشوتی گرفته و او را بتجلیل و احترام نماید ...»^{۸۷}

و در جای دیگر ادیب الممالک درباره روزنامه چنین سخن می گوید :
«بعضی دیگر تصور می کنند که روزنامه «دفتر متلک» است و مدیرش «خاله خبرک»^{۸۸} .

ادیب الممالک علی الظاهر شخصی متدینی است و از نخستین شماره روزنامه ادب این امر بخوبی مشخص است، او کار روزنامه نگاری را باین ابیات شروع می کند .

چو دانا ز گنجینه در باز کرد

بنام خدا نامه آغاز کرد

محمد چراغ خرد گستران

خداوند سالار پیغمبران
 که با نامه آسمانی به خاک
 فرود آمد از نزد یزدان پاک^{۸۹}.

بعقیده برخی ادیب‌الممالک .

«عقیده ثابتی نداشت، از هرسو که باد می‌آمد بادش میداد . دست روزگار او را به دانش و هنری که داشت تهی دست کرده بود . چون بزرگ منش نبوده، تاب تهی دستی نداشت، به ستایش‌ها و ناسزاگویی‌هایی بیجا دست می‌آزید و بنان و نواله‌هایی که از این راه به دست می‌آورد خشنود بود»^{۹۰} .

شاید «پیری و خستگی و نا پرهیزی در استعمال مخدرات او را فرسوده ساخت و در اثر نیازمندی به کارمندی در همان عدلیه که روزی مورد نکوهش سخت او در شعر قرار گرفته بود ناگزیرش کرد»^{۹۱} و از «ستایش‌های افراد گوناگون با معیارهای مختلف خودداری نمی‌کرده است و یکی از کسانی که مکرراً مورد ستایش او قرار گرفته میرزا رضاخان ارفع الدوله دانش^{۹۲} است که برای کتاب دیوان او ماده تاریخ ساخته و حتی دیباچه‌ای دراز و چاپلوسانه و یاوه بافانه بر کتاب «دیوان گوهر خاوری» او نوشته است که فرومایگی او را می‌رساند»^{۹۳} .

ادیب‌الممالک در طول حیات خود، گاهی ملبس به عبا و عمامه و زمانی تغییر لباس داده و مکتا شده است .

با مجموعه این خصلتها، ادیب‌الممالک روزنامه ادب خود را در مشهد در تاریخ ذکر شده انتشار داد و از همان شماره نخست خود روزنامه ادب دارای مدیریت داخلی بود .

«چون آقا میرزا صادق خان ناظم سابق پستخانه مبارکه خراسان در این امر مقدس شریک و سهیم بالسویه است از این تاریخ ایشان را معاون

اول دانسته و امیدوارم که انشاءالله با دستیاری چنین معاون محترم غیرت‌مندی از عهده خدمات شایسته وطن برآئیم»^{۹۴}.

بدین ترتیب میرزا صادق خان تبریزی که یکی از دوستان و همراهان ادیب‌الممالک بود و سالها بعد او خود روزنامه‌خورشید را در مشهد منتشر ساخت؛ با او در کار نشر ادب همکاری‌های صمیمانه داشته است و عملاً مدیریت داخلی را بعهدہ می‌گیرد^{۹۵}. روزنامه‌ادب در سال نخستین خود دارای ویژگی‌های خاصی است؛ مقالات روزنامه درباره مفاسد تریاک، اختلافات مذهبی و اقلیت‌های مذهبی، حق‌گوئی و حق‌شناسی و حق‌پرستی و ... قابل توجه است ولی در همان حال نباید انتظار داشت که روزنامه ادب رایگ روزنامه انقلابی بحساب آورد. بعضی از نوشته‌های ادب در این دوره تأثیر زیادی بر باورهای عامیانه مردم داشته است، باورهایی که از علل عمده عقب‌ماندگی جامعه به حساب می‌آمد و مجموعه‌ای از نگرشهای غیر واقعی که جامعه را از حرکت پویا خود باز میداشت و انرژی آن را بنابودی می‌کشاند.

ادیب‌الممالک در مقاله‌ای تحت عنوان «دشمن دانا» که در شماره دوازده ادب آمده است می‌نویسد:

«.... گفت اینکه می‌گویند جن در خرابیها و قبرستانهای کهنه و میان کوهها و بیغولها و حمامها مسکن می‌گیرد یعنی چه؟ گفتم جن خرابیها سگهائی هستند که در ویرانها بچه می‌کنند و اگر کسی بفته آنجا برود متعرض او میشوند. جن قبرستانها گدایان و اهل توقعند. جن کوهها سباع درنده می‌باشند. جن صحراها دزدان و راهزنان هستند. جن حمامها همان خدمتکار نیست که ترا بحمام برده و میخواست خفه کند. در اثنای این مکالمه خادم کذائی در رسید و بچپا چشمشان باو افتاد بی‌اختیار بنای خنده گذاشتند. دخترم گفت آقا جان! جن بودن ننه مسلم شد زیرا که هر وقت اسم او را بزبان می‌بریم فوراً حاضر میشود چنانچه ملاحظه فرمودید!..... عجزوزه دیگر ملاقت نیاورد و از من هم حیا نکرد، دوید کنار بخاری و آتشکش را برداشته

رو بطفل نمود که او را بزند آتشکش آلت کشیدن آتش است و بچه را با آن تأدیب نباید کرد [خدا خراب کند خانه را که نیگذازند اطفال خود مانند غنچه گل در آن خنده نمایند و بحالت آزادی و راحت نشوونما کنند. بشکند دست ددههایی که بی‌جهت حالت آسایش و تعیش این گل‌های نودمیده را بو حشت و خوف مبدل می‌کنند. بریده باد ساعد اشخاصیکه کودکان را با چوب و ترکه میرنجانند تا چه رسد با آتشکش؟!] « ۹۶

دوره اول روزنامه ادب مشهد توجه خاصی به اخبار داخله و خارجه دارد و دارای سبکی نوین و روشنگرانه‌ای است. نوشته‌های ادب در شناخت بعضی از عوامل اصلی عقب‌ماندگی کشورهای مختلف، با توجه به علل اصلی پیشرفت اروپائیان، راههای نفوذی آنها و چگونگی استفاده از کشیش و کیش مسیحت به زمان خود دارای ارزش بسیاری است، به این مقاله توجه فرمائید.

«اهل سیاسی آگاه و گوهند که اعظم وسایل پیشرفت مقاصد اروپائیان این است که کشیشان مذهب خود را بی‌لاد خارجه می‌فرستند تا بهر وسیله باشد یا بطمع جاه و مال و منصب و یا بهوای زن خوشگل یا بالقای شبهات دینیه مردمان ابله ساده‌دل را با خود هم‌عقیده و هم‌کشیش نموده آنها را بدام بکشند و از اینکار دو نتیجه حاصل میشود یکی آنکه دین خود را بوسیله چندتن درویش خشن‌پوش و قلندرخانه بدوش که ترك خانه و فرزند و زندگی کرده و بهچیک از علائق دنیای دنی دل‌بستگی ندارند ترویج داره و ابنای اجانب را اخوان و اقارب خود می‌نمایند. ثانیاً این نوع کشیشان مثل فدائیان ملاحده رودبار و مازندران از جان گذشته و بانك امید پیشرفتی خود را بکشتن میدهند. زیرا که یقین دارند بعد از کشته‌شدن آنها خاك آن عرصه بیاد فنا خواهد رفت. چنانچه می‌بینیم این همه بلاها و صدماتی که از هجوم دول بخاقان مادر مرده چین و ملکه بدبخت و رعیت مفلوکش رسید بیهانه خون یکنفر یا دو نفر کشیش پرمدعای خودسر بوالفضول بود که در آسمان رفته بنای تعرض بدین و مذهب‌والله

اهالی گذارده و ایشان را بعقیده خود دعوت کردند تا کار بجایی رسید که اهالی طاقت نیاورده خون ایشان بخاص روان کردند و این همه فتنه ها و مصیبتها را به مملکت خود وارد آوردند . یکنفر بیغرض مصلح خداشناس پیدا نشد که بگوید رای مدعیان حریت و داعیان صلح و صلاحیت و مروجان مدنیت و انسانیت و خادمان انصاف و مروت و واعظان غیر منغظ ! چرا آنچه میگویند خودتان برخلاف طریقه آن رفتار می کنید !؟

..... در مملکت خودتان مذاهب را آزاد کرده و در مملکت خارج بخانه مردم ریخته باچوب و چپاق آنها را بسذهب خود دعوت می کنید ! دولت روس در ممالک خود کشیشان پروتستان را راه نیسپدهد . اما در ارومی و سلساس و خوی میسیونرهای ارتودکس لاینقطع اسباب زحمت و فساد برای حکام و کارگذاران تولید می کنند . خلاصه باید دانست که ضرر کشیش مفسده اندیش از توپ قلعه کوپ در ممالک خارج بیشتر است ۹۷ .

اولین شماره سال دوم ادب به تاریخ ششم رمضان المبارک سال ۱۳۱۹ هـ ق برابر هجدهم دسامبر ۱۹۰۱ م باهمان ویژگیهای سابق انتشار یافت و آدرس آن از کوچه باغ عنبر به کوچه مدرسه دو در تغییر پیدا نمود ۹۸ . این دوره روزنامه تا شماره چهل و هشت تاریخ دوم رمضان سال ۱۳۲۰ هـ ق و سیم دسامبر ۱۹۰۲ م ادامه می یابد که مجموعاً ۳۸۴ صفحه را شامل است .

در شماره نخست سال دوم روزنامه ادب ادیب الممالک می نویسد :

«منت خدا را که در زیر سایه حضرت ثامن الائمه علیهم الصلوٰة و السلام حق تعالی نگارنده را چندان عسر و توفیق کرامت فرمود که نمره های سال اول «ادب خراسان» را با آنها رسانیده و در هر هفته بدون تاخیر و تعویق بانظم و ترتیب معین آنرا بخدمت مشترکین عظام فرستادیم . اما از دو بابت ضرر کلی بداره وارد شد که محض آگاهی غیر تسندان

نگارش می‌دهیم . نخست تاخیر و تغافل بعضی از وکلای اداره است ...
 دویم . از ششماه قبل جرایدی که از اینجا به عشق آباد و تازه شهر و
 مسالك ماوراء بحر خزر فرستادیم همه آنها را از پستخانه «هوران» که
 سرحد خراسان است مستقیماً به پترزبورغ فرستاد، و هیچیک را
 بصاحبانشان نرسانیده‌اند و علت آن دستور وزارت معارف دولت
 روسیه در پترزبورغ بروسای پستخانه‌های داخله روس حکم آمده‌است
 که روزنامه‌ادب را در قلمرو خود قبول نکنند جز برای عبور و ...
 ادیب‌المسالک اندکی بعد می‌نویسد :

خلافی نسبت بدول خارجه از ما سر نزده‌است جز اینکه برادران
 خود را می‌گوئیم «در تابستان خانه خود را اندود کنید که فردا زمستان
 است و برف می‌آید . بهار است و باران می‌بارد، در بهار و پائیز زراعت کنید
 تا در زمستان و تابستان بگدائی و خوشه‌چینی نیفتید» بیچاره پاسبانی که
 دزد می‌گوید چرا نمی‌خواهی و صاحب خانه می‌گوید چرا نیسنگداری ما
 بخواییم !!!؟ .

ادیب‌المسالک در دوره دوم روزنامه خود امتیازاتی برای طلاب مدارس مشهد
 قائل شده که مبتنی بر پنج شرط بوده است .

- ۱- ساکن و مقیم مشهد مقدس باشند زیرا که در سایر بلاد این تخفیف اجزا
 نمی‌شود .
- ۲- در مدرسه نشین داشته باشند نه در خارج .
- ۳- طلبه باشد نه بطله محصل باشد نه معطل .
- ۴- باقی قیمت سالیانه که دوازده قرن میشود نقداً بطور مساعده و سلف
 پرداخته و قبض دریافت دارند .
- ۵- مدت اشتراك آنها کمتر از یکسال نباشد .

از مشخصات و ویژگیهای روزنامه ادب در این دوره بکار گرفتن و آشنا کردن خوانندگان به لغات فارسی است، بطوریکه خود او می نویسد:

«این چند لغت که فارسی آنها بکلی از میان رفته و بجای آنها لغات عربی مستعمل شده است. بنا بخواش بعضی از محترمین نگاشته میشود و انشاءالله تعالی بعد از طبع و نشر منظومه لغات فارسی ماکه «پیوسته فرهنگ» نام دارد بسیاری از لغات بر هموطنان مکشوف خواهد شد»^{۱۱}

ادیب السائلک در «پیوسته فرهنگ پارسی» که در یازده بند سروده و با این بیت آن بت شوخ چشم مه سینا

نظم فرهنگ فرس جست از ما^{۱۲}

شروع میگردد، تعداد فراوان لغات پارسی را بکار می گیرد و ما برخی از لغاتی را که او در کار روزنامه نگاری مورد استفاده قرار داده است برای نمونه ذکر مینماییم.

واجب الوجود = بایسته هستی

مسکن الوجود = شایسته هستی

جهنم = دوزخ = گهنام

بهشت = مینو

موج = خیز آب

صاعقه = آذرخش

جزیره = آبخوست

نبات = رستنی

کلمه = واژه^{۱۳}

در طول انتشار روزنامه ادب در سالهای اول و دوم، آگهی های فراوان و همچنین اعلانات چندی در آن مشاهده میگردد که از لحاظ بررسی وضع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و ... آن دوره از ارزش فراوانی برخوردار است. برای نمونه می توان اعلان

رئیس بانک روس را در شماره نوزدهم دوره دوم در صفحه یکصد و چهل و شش مورد توجه قرار داد این اعلان حاکی است بزودی شعبه بانک مراجه روس در خراسان، شهر مقدس مشهد دایر میگردد و خدمات عمده‌ای را مانند تنزیل بروات، حجت بازرگانی قبول حواله بروات داخلی و خارجی، خرید و فروش چک برای شهرهای بزرگ اروپا، خرید و فروش منات، نگهداری اسناد گرانبها و جواهرات و سنگهای قیمتی و بعهده میگیرد. ۱۴.

مشاهده اینگونه اعلانات، آنها بصورت مکرر در روزنامه ادب حاکی از معشوش بودن وضع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور و وابستگی دائم التزاید آن به دولتهای روس و انگلیس است که با توجه به سایر مقالات و نوشته‌های ادب و مقایسه آنها با نوشته‌های سایر روزنامه‌های آن دوره نتایج قابل لسی از اوضاع ایران را می‌توان دریافت.

با توجه بوضع ارتباطات در آن دوره روزنامه ادب از لحاظ فهرست مندرجات طیف وسیعی را در بر میگیرد که شامل اخبار داخلی و خارجی، چاپ فرامین و دستخط‌ها، توسعه صنایع در اروپا و همچنین اشعار مختلف و غیره است. برای نمونه فهرست مندرجات شماره چهل و یک روزنامه ادب را در سال دوم که شامل مطالب زیر است ذکر مینمائیم.

۱- هندوستان، خشکسالی و قحط و غلای شد در آن کشور.

۲- پاریس، ملاقات پادشاه ایران با بعضی از رجال سیاسی.

۳- روسیه، ملاقاتهای پادشاه ایران و توقف در پترزبورغ.

۴- ژاپون، وقوع زلزله.

۵- دستخط تلگرافی شاه به مشهد.

۶- دستخط تلگرافی اتابک به نیرالدوله والی خراسان.

۷- بقیه پاسخ ادب در تاریخ ملایر.

- ۸- بقیه جشن تاجگذاری پادشاه اسپانیا .
- ۹- غزل وطنسیه .
- ۱۰- چهارم از موقوفات همشیره مرحوم حاجی میرزا موسی .
- ۱۱- عریضه طابوف «حاج میرزا عبدالرحیم» .
- ۱۲- شرح ورود کوكب همایون در بادکوبه .
- ۱۳- تشریف شمال همایون باستان قدس .
- ۱۴- سواد دستخط مبارك بافتخار تولیت عظمی .
- ۱۵- بقیه تقویم صنایع در اروپا .

سال سوم انتشار روزنامه ادب از چهارشنبه شانزدهم رمضان المبارک ۱۳۲۰ هـ ق مطابق نهم دسامبر ۱۹۰۲ م آغاز میگردد. ۱۰۰ ادیب الممالک درباره امتیازات سال سوم ادب می نویسد :

«نخست اینکه در هر يك از این مدارس که در این عصر میمنت حصر یعنی در زمان سلطنت این شاهنشاه جمجاه معارف پناه تأسیس یافته است بشکرانه استقامت و اعتدال وجود همایون يك نمره تا آخر سال مجاناً بندگی نمود، و بشاگردان آنجا هر قدر که روزنامه بخواهند با تصدیق مدیر و اجرای همان مدرسه نصف سالیانه آن را اداره تقدیم خواهد نمود .

دویم - بجای چهل و هشت شماره پنجاه شماره منتشر خواهد شد. سیم - نمره پنجاهم را حاوی فهرست تمام نمره های جریده مزبور نموده از نمره اول بترتیب تا نمره چهل و نهم تمام مندرجات را با تعیین نمره صفحات نگاشته و تقدیم مشترکین مینماید که اگر بخواهند اوراق سالیانه را جمع و مدون ساخته فهرست مرتبی هم داشته باشند» ۱۰۶

از ویژگیهای دوره سوم روزنامه ادب در خراسان چاپ کاریکاتور است،

ظهير الدوله می نویسد :

«آقای میرزا صادق خان ادیب الممالک مدیر و نویسنده ادب بود و اشکال و تصاویر کالیکاتور [کاریکاتور] را در روزنامه خویش چاپ میکرد و در ایران متبکر این کار او شد»^{۱۰۷}

کوائل کهن این موضوع را مورد تصدیق قرار میدهد و می نویسد :

«ادیب الممالک آغازگر استفاده از این وسیله ارتباطی نافذ و انتقادی در روزنامه های کشور بشمار می آید»^{۱۰۸}

ظهير الدوله خود توضیح میدهد :

«کالیکاتور تصاویر مضحک و مسخره است که در روزنامه یا اوراق دیگر در خارجه چاپ و منتشر کرده و بدان سبب بعضی اخلاق ردعانه و نواقص بلدیة و معایب سیاسیة را با مضامین خوش خاطر نشان عموم ناس می نمایند»^{۱۰۹}

کاریکاتورهای ادب ابتدایی و کارحسین الموسوی نقاشباشی آستان قدس رضوی است که نخستین آن در شماره پنجم سال سوم ادب بتاريخ چهاردهم شوال ۱۳۲۰ هـ ق مطابق چهاردهم ژانویه ۱۹۰۲ م به چاپ رسیده است.^{۱۱۰} ادیب الممالک درباره این کاریکاتور می نویسد :

«تصویر ترقی مردم اروپا که بمعاونت یکدیگر بالا رفته و بسدارج سامیه و مراتب عالیة صعود مینمایند برخلاف تنزل مردم آسیا که بواسطه بدخواهی یکدیگر همگی با خاک یکسان میشوند»^{۱۱۱}

کاریکاتورهای روزنامه ادب در سال سوم بیش از سه عدد نیست که دو تای دیگر در شماره های ششم و هفتم بتاريخ بیست و یکم شوال تحت عنوان تصویر کارخانه مشاقی مرحوم چراغعلی بشرکت میرزا نورالله وحاج میرزا نصیر و بتاريخ بیست هشتم شوال تحت عنوان شکل اول خانه مورکه بشبمنی طوفان است و شکل دوم مورچه

شیرده که دارای دوستان است به چاپ رسیده است. ۱۱۲.

مندرجات روزنامه ادب در دوره سوم مفصلتر است، برای نمونه فهرست مندرجات نمره ششم سال سوم بتاريخ بیست و یکم شوال ۱۳۳۰ هـ ق برابر بیست و یکم فوریه ۱۹۰۳ م را ذکر مینمائیم.

- ۱- راه آهن بغداد.
- ۲- دخانیات «رژی» در دولت عثمانی.
- ۳- راه آهن حجاز.
- ۴- بیت المقدس، تأسیس کتابخانه توسط یهودیان در قدس شریف.
- ۵- وقایع شهری
- ۶- صورت ملقومه مقدسه همیونی ارواحناده.
- ۷- ترانسوال، چمبرلن در ترانسوال و مذاکره با روسای بوئر.
- ۸- نزوئلا «ونزوئلا» مشخصات مملکت.
- ۹- چین، غارت چین توسط اروپائیان.
- ۱۰- اتازونی، تبعیض نژادی.
- ۱۱- شبه جزیره کره، مسافرت ولیعهد کره، امات فرنگی
- ۱۲- مهدی صومالی ملای دیوانه غربی: انقلاب مهدی در سودان برضد انگلستان.
- ۱۳- همکاری چمبرلن.
- ۱۴- شکسته بندی.
- ۱۵- اسپانیا، سوء قصد بجان پادشاه.
- ۱۶- ابن الرشید و ابن سعود، اختلافات درون عربستان.
- ۱۷- مغناطیس اموال سفیهان: نمایشنامه گونه ای در خصوصیات اجتماعی مردم آن عصر.

دوره سوم روزنامه ادب در مشهد فقط شامل چهارده شماره و یکصد و ازده صفحه است و ادیب المسالك اداره روزنامه را به تهران منتقل مینماید و علت آن نیز دستور مظفرالدین شاه و تصویب ندیم السلطان وزیر انطباعات و جراید بود، ادیب اولین شماره روزنامه ادب را در تهران در تاریخ «یوم المبعث» بیست هفتم رجب سال ۱۳۲۱ هـ ق مطابق نوزدهم اکتبر ۱۹۰۳ م منتشر ساخت. ۱۱۳

ادیب المسالك در طول روزنامه نگاری در خراسان «مشهد» و انتشار روزنامه ادب در آخرین صفحه در منتهی الیه سمت چپ پای روزنامه را محمدصادق الحسینی فراهانی امضاء می نمود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



<p>دکتر استخری از سالهاست دکتر سکه مقدس دو تومان دکتر ساریراد در شهرستان ۱۰ قران دکتر صفیاز در روسته ۱۰ سنان دکتر سمالک عثمانیه ۳ بیجی دکتر مهندس وستان ۱۰ دویبه دکتر ساریراد در ادب ۱۲ فرانک بیمت اعلا ن سطحی یک کتبات</p>	<h1>ادبکی</h1>	<p>افاده روزنامه ادب سکه مقدس - کوشنایع دکتر ساریراد یک سیرا صاه خان ادبک للمسالک مفتی بکرتبه طبع و توزیع میشود بدل از قبول نوره سیم اسامی شوکتین در دفتر اداره ثبت میشود دوماه ششم وجه در ایذامی شود</p>
---	----------------	---

شماره چهارم رمضان - ... ماه فروردین

<p>تغذیه و سلامت از ادبک ساریراد و غارین ناری</p> <p>(فهرست مندرجات)</p>	
<p>دکتر ساریراد از ادبک و رشک ایمان تو و خانات دود براندسته ناز بر کرده کدام عداوت شهریزان سواد همه و نهایی به توانند مرا زمان کدام که بد استان افرا تا باید شرا این کتبه و دانش زیر کتبه اختر پناه مرکز است هر کله مرکز کتبه ستوار برهان مدام ازین چاه دوف نومد کتبه این باروی ناسیفا کدام کتبه ستانم بدیوی خوش کدام کتبه از مشکان بدیوی</p>	<p>دینا چه منظم از خامه نگارنده بسیار نام که کز دست بزیاید لا انتقال بشما و لکن بشما چین دارد و ... شرح مندرجات یقین با لامر بنهار و خافله بسیار از کتبه بنام خدا نامه آغاز حکم کدام و در میان یاد شایسته سخن از ادبک و دانش کدام کتبه از ادبک و کتبه کدام کتبه از ادبک و کتبه فردا بعد از توزیع در زمان</p>

اداره روزنامه

بشارع رضا المارک و غیره در شماره اول

در شماره اول سال

ادب

مکتب مدنی - کوه مدنی

در خانه بدو - مرکز صادره

ادب

میرزا صالحان - مرکز اداره

بکارت قبول - سفر ابرو

در وقت اذان - ثبت

در مکتب مدنی - دو تومان

در شماره اول - قرآن

در قفاز دو سینه - مئات

در مالک عثمانیه - ۳

در هندوستان - ۱۰

در شماره اول - ۱۲

شماره اول است علی ادب و سبب و اخباری و تاریخی - مرکز از قفاز که در شماره اول در مکتب مدنی

سپاسنامه

سپاسنامه از اثر غفران نگارین . نشانه المصدا . امینا المصدا
صکای المصدا علی القصد . هر بنا از بیرون تا بیرون است
مکتوبی که در شماره اول . تراجم فرانسه عثمانی . بکارت و انشوا
مکتوبی که در شماره اول . نگارنده که در شماره اول . بکارت و انشوا

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند که هر بود و هست
فرزنده که هر آفتاب
خداوند که بچشد تن را خود
ز ما یاد پیغمبرش را درود
لبوا القاسم ان احد صطفی
چهار گوش از پر تو بر او
کراون بدی ما سحره بین
مژگی خداوند بهیم و کلاه
بفرشانت لای پاک خویش
عصر علی خاتم اکذره دار
زمزم هم به بر فرود کن
جزا الله ای سحر برود کاد
دزان به چنانکه با تو در
بر تمامین خصلت کنی

دود خدا یاد بر جهان تو

بر آن همسگر ناز برود تو

بر آن نازده سرو بالا فرخ

تویی انهمه شاخ و پاجوبین

پوشه علی بن موسی الرضا

که این بدنه شالی است کوی

دل از حضور تو شوم و همیش

بندوی نشاء و الا وهی

مدان نمه در حضرت کویا

چو سالار از این نامه برود

هم ایدون برانم که این الیه

بدری این چاوده نور پاک

هنرهای مژدانه آرم بکاد

دو کوشش و ناری از کد کاد

نقشه المصدا

ست خدا بر آن که در رساله حضرت ثامن الائمه
علیهم الصلوٰه و السلام حق تعالی نگارند را
چندان عمر و نوری که است فرمود که نمره های
سال اول (ادب خرابان) را بنهار سانیان
ودده رساله بدین نام و ناسم نام

غلام و خاطر بر او کلاه
دل روشن از نخله طوکون
ادان دست ناز و کجینی کلاه
نوی در بخت که بان خدی
بنامدی سحر بر سحر اب . و خود

شماره اول سال

<p>دستم در دست و پا . ملازمه . سزاده دو سار برادر و همسر زن - ۲۰ فرات دو قضا و دو وصیته - ۲ منات دو مالک عظامه و مصر - ۳ مجدی دو هندوستان - ۱۰ دوی دو سار برادر و دوپ - ۱۲ فرانک</p>	<p>الک</p> <p>هفت ریکه که در چهار شبه توزیع میشود دو ماه ششم - و چه سال که در آن است مطری یکفران است</p>	<p>مشهد مقدس - که بعد و مشهور بود دو خاشاک و دو کل - میرزا صادق خان (آداب الیها) میرزا صادق خان بزرگ معاون ادارات اعلان قبول سه هزار اسب و شتر دو درخت قراد آن شبت میشود</p>
<p>بزرگ شایسته علی ادبی شکیا و خجاری و نا برنجی - هر کوی که میباید که با این روز نشاء و کلام مضاد که میشود</p>		
<p>(فهرست مجرا)</p>		
<p>انگیزانک سوزان جمله هم براندان سوزان کن - وزارت جلیله انظباط و جاندو ریاست دارالتوجه هندی ادب - مسلمانان لندن - بقیته منطاط بر اصول سفیران انظار حتی ای التواعلی و التفرات کلمات یا ایها التمل الا حلو و مسانک لک لاجل حمتک سلمان و جنون و هم لا یستعین</p>		
<p>شکل آن - خاموش بشنید چو آن (شکر آن) - یوروشین که در ایستادن</p>		

یادداشتها

۱- لفظ «روزنامه» از روزگاران بسیار قدیم سابقه داشته است. دکتر معین می نویسد «روزنامه بهضم اول و کس ششم (در لهجه مرکزی) از روزنامه «نامگه پهلوی» معرب آن روزنامه و روزنامه است رک:

الف: محمد گلین، لغت روزنامه و نخستین روزنامه چاپی در ایران، مجله بررسیهای تاریخی، شماره نهم سال پنجم آذر - دی ۱۳۴۹ شماره مسلسل ۲۹ ص ۷۵-۱۱۲.

ب: مجله کاوه دوره جدید شماره ششم سال دوم، ۲۸ دی ماه برابر غره شوال سنه ۱۳۳۹ ه.ق. ص ۱۴-۱۶.

پ: یحیی آربین پور، از صبا تا نیما جلد اول چاپ پنجم شرکت سهامی کتابهای جیبی ص ۲۳۴.

ت: محبت طباطبائی: تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران. انتشارات بعثت تهران ۱۳۶۶ ص ۱۲ بعد.

۲- قبل از صدور اولین شماره «روزنامه میرزا صالح» طلیمه آن منتشر شده است، این طلیمه چنانکه با مطالعه آن ملاحظه می شود، فقط اعلان نشر روزنامه در آینده نیست بلکه خود حکم یک شماره روزنامه ماهیانه را دارد رک:

الف: مجله یادگار سال اول شماره ۷ ص ۷-۱۳.

ب: مجله بررسیهای تاریخی شماره ۵ سال پنجم ص ۹۵.

پ: مجله کاوه دوره جدید شماره ۶ ص ۱۴.

ت: یحیی آربین پور: از صبا تا نیما ج اول چاپ پنجم ص ۲۳۵.

ث: گوئل کهن: تاریخ سانسور در مطبوعات ایران انتشارات آگاه تهران ۱۳۶۰ جلد اول

ص ۱۳ بعد.

- ۳- در سال ۱۳۳۰ ه. ق. ۱۸۱۵ م پنج تن از طرف دولت ایران به انگلستان فرستاده شدند که یکی از آنها میرزا محمد صالح شیرازی بود و او گزارش سفر و آنچه را که برایشان گذشته در سفرنامه‌ای بیادگار نهاده است. این سفرنامه توسط غلامحسین میرزا صالح در سلسله انتشارات نشر تاریخ ایران در ۱۳۶۴ بچاپ رسیده است که دارای اطلاعات گرانمایی راجع به آن عمر است و در مقدمه درباره روزنامه و روزنامه‌نگاری شرح مفصلی ارائه شده است.
- ۴- روزنامه میرزا صالح در بیست و پنجم محرم سال ۱۲۵۳ ه. ق. تحت عنوان «خبر و وقایع شهر محرم الحرام ۱۲۵۳ در دارالخلافه طهران انطباع یافته و شامل اخبار ممالک شرقیه و در ذیل این عنوان اخبار طهران و سایر ولایات ایران درج می شده است و سپس در تحت عنوان اخبار ممالک غربیه، اخبار اروپا و عثمانی شرح داده می شد رک:
- الف: مجموعه سفرنامه‌های میرزا صالح شیرازی، نشر تاریخ ایران، تهران ۱۳۶۴ ص ۲۰ بعد.
- ب: مجله بررسیهای تاریخی سال پنجم شماره پنج، آذر - دی ۱۳۴۹ تهران ص ۸۹-۱۰۱ تصویر طبعه کاغذ اخبار کلاً آمده است.
- پ: محمد صدر هاشمی: تاریخ خرد و مجلات ایران. انتشارات کمال اصفهان چاپ دوم ۱۳۶۳ مقدمه ص ۳.
- ۵- گوئل کهن: تاریخ سانسور در مطبوعات ایران جلد اول انتشارات آگاه تهران ۱۳۶۰ ص ۱۸-۱۹.
- ۶- برای انتشار روزنامه در اروپا رک، پیر آلبر و فرناند ترو: تاریخ مطبوعات جهان ترجمه دکتر هوشنگ فرخجسته. انتشارات پاسارگاد تهران ۱۳۶۳ ص ۱۰-۱۱.
- ۷- L'Imprimerie Hors L'Europe
- ۸- The Persian Akbar کاغذ اخبار ایرانی رک روزنامه کاوه شماره ششم سال دوم، دوره دوم ص ۱۴.
- ۹- محیط طباطبائی: تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، انتشارات بعثت تهران ۱۳۶۶ ص ۱۶.
- ۱۰- همان مأخذ ص ۱۶.
- ۱۱- همان مأخذ ص ۱۶.
- ۱۲- همان مأخذ ص ۱۷.

- ۱۳- مجله کاوه شماره ششم دوره دوم ص ۱۴. ببعد .
- ۱۴- محیط طباطبائی: تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران ص ۱۷-۱۹.
- ۱۵- بسمه‌خانه: باصمه‌درترکی به معنی چاپ و باصمه‌خانه به معنی مطبعه و چاپخانه است و تا این اواخر در ایران حروفچینی یا مباشر چاپ را باصمه‌چی «باسمه‌چی» و چاپچی می‌گفتند. واژه چاپ از «چهاپ» هندی و سانسگریت مأخوذ است. رک: یحیی آرین‌پور، از صبا تا نیما جلد اول ص ۲۲۸.
- ۱۶- Ange de Saint Joseph از مشربین فرقه نصاری کرملی که مدتی در ایران اقامت داشتند.
- ۱۷- پادریان Padori - کشیش و مبلغ مسیحی، در ایران چند پادری مشهورند که کتبی بر رد اسلام نوشته‌اند و علمای ایران نیز کتبی در رد ایشان تألیف کرده‌اند رک: دکتر محمد معین، فرهنگ فارسی جلد اول ص ۶۴۸.
- ۱۸- کرملیط - کرملی "Carmélites" مأخوذ از جبل کرمل در فلسطین است و شعبه‌ای از مسیحیت است که در سال ۱۰۱۶م عده‌ای از فرقه کرملی به ایران آمده و در اصفهان مستقر شدند .
- ۱۹- مجله کاوه دوره دوم شماره ۵ ص ۱۱. یحیی آرین‌پور، از صبا تا نیما جلد اول ص ۲۲۸.
- ۲۰- مجله کاوه دوره دوم شماره ۵ ص ۱۲، برای تاریخ چاپ چاپخانه در ایران رک: بده:
- ۱- سعید نفیسی مجله پیام نو فروردین ماه ۱۳۲۵ .
- ۲- مجتبی مینوی مجله یغما سال ششم شماره ۸.
- ۳- مجله تلاش سال یازدهم شماره‌های ۵۸، ۶۰ و ۶۲ .
- ۴- گوئل کهن تاریخ سانسور در مطبوعات ایران جلد اول .
- ۵- مجله تعلیم و تربیت شماره ۴ .
-
- ۲۱- چاپ حروفی «سربی» Typography، چاپ سنگی Lithography
- ۲۲- یحیی آرین‌پور، از صبا تا نیما جلد اول ص ۲۲۹.
- ۲۳- رجب طارمی، روزنامه‌نگاری چاپ سربی مشهد ۱۳۳۷ ص ۴۹.
- ۲۴- همان مأخذ ص ۵۰ .

- ۲۵- روزنامه ادب: شماره ششم سال دوم ص ۴۶.
- ۲۶- مهدی بامداد. شرح حال رجال ایران جلد دوم. انتشارات زوار تهران ۱۳۲۷ ص ۸۸.
- ۲۷- ابراهیم صفائی. رهبران مشروطه چاپ اول جلد اول انتشارات جاویدان تهران ۱۳۶۲ ص ۱۸۲.
- ۲۸- روزنامه ادب. شماره مختلف سالهای اول و دوم.
- ۲۹- الف: محمد صدرهاشمی: تاریخ جراید و مجلات ایران جلد اول چاپ دوم انتشارات کمال اصفهان ۱۳۶۳ ص ۸۲.
- ب: ادوارد برون: تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران جلد دوم ترجمه محمد عباسی انتشارات معرفت تهران ۱۳۳۷ ص ۲۰۲.
- ۳۰- سرلوحه روزنامه ادب تصویر یک.
- ۳۱- سرلوحه روزنامه ادب تصویر یک.
- ۳۲- محمد صدرهاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران جلد اول چاپ دوم ص ۸۴.
- ۳۳- دیوان ادیب الممالک، چاپ وحید دستگردی تهران، ص یب.
- ۳۴- یحیی آرین پور: از صبا تا نیما جلد دوم، انتشارات شرکت سهامی کتابهای جیبی چاپ پنجم تهران ۱۳۵۷ ص ۱۳۷.
- ۳۵- ادوارد برون: تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران جلد دوم ص ۲۰۰.
- ۳۶- محمد صدرهاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران جلد اول ص ۸۱.
- ۳۷- دیوان ادیب الممالک ص ک.
- ۳۸- محمد صدرهاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران جلد اول ص ۹۶.
- یحیی آرین پور از صبا تا نیما جلد دوم ص ۱۳۷.
- دیوان ادیب الممالک ص ک.
- ۳۹- همان مأخذ.
- ۴۰- روزنامه کاوه شماره ۲۰ بیست و دوم جمادی الآخر ۱۳۳۵ مطابق یکشنبه ششم آذرماه بزرگگردی ص ۷.
- ۴۱- یحیی آرین پور: از صبا تا نیما جلد دوم ص ۱۳۷.
- دیوان ادیب الممالک ص ی.

۴۲- دیوان ادیب الممالک ص ۱ .

۴۳- دیوان ادیب الممالک ص ۱۱۱ .

یحیی آرزین پور: از صبا تا نیما جلد دوم ص ۱۳۷ .

انوار دایرون: تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران جلد اول ص ۳۲۴.

۴۴- عبدالحمید میرزا ناصرالدوله پسر بزرگ قیروز میرزا نصرت الدوله، فرماندهی می باشد که مدت ها حاکم کرمان و بلوچستان بود . طول حکومت او در کرمان پدیازده سال رسید و او را شاه کرمان می گفتند و در زمان خویش شیخ ترین افراد تربیین الامثال و الاقران بود .

۴۵- دیوان ادیب الممالک ص ۱۱۱ .

انوار دایرون: تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران جلد اول ص ۳۲۶.

۴۶- طهماسب میرزا مؤیدالدوله، پسر دوم محمدعلی میرزا دولت شاه که مدت ها حکومت فارس را داشت و همچنین از سال ۱۲۸۵ ه.ق. بسمت پیشکار ولیعهد در تبریز بود که تا سال ۱۲۸۷ ه.ق. ادامه داشت و در ۱۲۹۷ ه.ق. درگذشت. او فردی با سواد و آشنا با فقه و اصول بود لکن نفع نر و تکبر خاصی داشت رك: مهدی بامداد: شرح حال رجال ایران جلد دوم ص ۱۹۵-۲۰۰ .

۴۷- حسنعلی خان امیر نظام گروسی، متولد ۱۲۳۷ ه.ق فوت ۱۳۱۷ ه.ق ملقب به سالار عسگر، سالار لشکر و امیر نظام که فردی با کفایت و کمال و حسن خط بود . او مدتی پیشکار و کارگذار گل آذر با بجان بود رك: مهدی بامداد: شرح حال رجال ایران جلد اول ص ۳۵۹-۳۶۷ .

۴۸- یحیی آرزین پور: از صبا تا نیما، جلد دوم ص ۱۳۷ .

۴۹- Loge du Réveil de L'IRAN گراوند اوریان (شرق اعظم) فرانسه رك:

الف: محمود کتیرائی: فراماسونری در ایران. چاپ چهارم انتشارات اقبال تهران ۱۳۵۵

ص ۲۱۴ بیعد .

ب: اسماعیل رائین: فراموشخانه و فراماسونری در ایران. جلد دوم. چاپ سوم. انتشارات

امیر کبیر، تهران ۱۳۵۷ فصل شاتر دهم ص ۴۳-۴۷ .

۵۰- اسماعیل رائین: فراموشخانه و فراماسونری در ایران جلد دوم ص ۵۴ .

محمود کتیرائی: فراماسونری در ایران ص ۱۲۸ .

روزنامه کاوه شماره ۲۰ سال اول ص ۸ .

۵۱- محمود کتیرائی: فراماسونری در ایران ص ۲۳۳ .
دیوان ادیب الممالک ص ۵۷۵ .

۵۲- محمود کتیرائی: فراماسونری در ایران ص ۲۳۳ .
دیوان ادیب الممالک «مقدمه» .

۵۳- سال مراجعت ادیب به تهران ۱۳۲۱ هـ ق است و تاریخ سرودن این منظومه ۱۳۲۵
* ق می باشد .

۵۴- دیوان ادیب الممالک ص ۵۷۵-۵۹۳ .

۵۵- ندیم السلطان: میرزا محمد ندیم باشی «مدیر مدرسه مظفری» که در عصر ناصرالدین
شاه وزیر انطباعات بود و این مقام را مکرر صاحب شد. او چندان فشاری بر مطبوعات ملی و
روزنامه نگاران آزادپخواه وارد نساخت و در راه ترویج آزادانه افکار انقلابی و مباحث روشنگر،
از طریق روزنامه ها مزاحمتی ایجاد نکرد. رك:

گوئل کهن: تاریخ سانسور در مطبوعات ایران جلد اول ص ۲۲۶-۲۴۶ .

۵۶- روزنامه ایران سلطانی، یکی از روزنامه های قدیمی کشور است و مدتی تنها روزنامه
رسمی و انتشار آن بعهده وزارت انطباعات بود . در سال ۱۳۲۱ هـ ق اسم این روزنامه که ایران بود
به ایران سلطانی تغییر پیدا نمود. رك:

محمد صدر هاشمی: تاریخ جراید و مجلات ایران جلد اول ص ۳۰۵-۳۱۶ .

۵۷- محمد صدر هاشمی: تاریخ جراید و مجلات ایران ج اول ص ۹۷ .

۵۸- این روزنامه در باد کوبه و بفرزان ترکی منتشر می شده است که دارای تأثیر فراوان
در بین مردم قفقازیه و ایران بوده است. رك:

محمد صدر هاشمی: تاریخ جراید و مجلات ایران ج اول ص ۲۱۵ . بعد .

۵۹- گوئل کهن: تاریخ سانسور در مطبوعات ایران ج اول ص ۱۱۹ .

۶۰- روزنامه کاوه شماره ۲۰ ص ۷ .

یحیی آرزین پور: از صبا تا نیما ج دوم ص ۱۳۸ .

۶۱- این روزنامه با چاپ سری در تاریخ یکشنبه شوال المکرم ۱۳۲۴ هـ ق انتشار یافته رك

محمد صدر هاشمی: تاریخ جراید و مجلات ایران ج چهارم ص ۱۸۳-۱۸۸ .

۶۳- میرزا محمدصادق طباطبائی پسر سیدصادق عضو فراموشخانه ملکم و خود نیز ارتباطی با فراماسونری داشت. در ۱۳۰۰ هـ ق متولد شد. در دوره اول مشروطیت مدیر روزنامه مجلس بود و پس از توب بستن مجلس بهرام پدر به خراسان تبعید شد و پس از افتتاح مجلس در ۱۳۲۷ هـ ق از خراسان وکیل شد و جزء حزب اعتدال بود. در ۱۳۲۸ خورشیدی رئیس مجلس موسسان گردید و بعد بمریاست مجلس شورای ملی انتخاب شد و معتاد سخنی بکشیدن تریاک بود و در تهران در گذشت ر.ک:

مهدی بامداد: شرح حال رجال ایران چ سوم ص ۴۰۹-۴۱۰.

منصوره اتحادیه: پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت تهران نشر گشوده ص

۶۰، ۶۱ و ۷۶.

۶۴- گوئل کهن: تاریخ سانسور در مطبوعات ایران ج اول ص ۱۱۹.

۶۵- انجمن عراق عجم: در دوره اول مشروطیت تشکیل شده است و روزنامه عراق عجم

ارگان این انجمن بوده است و برخی از رجال میرزا دیوانی عراق در آن عضویت داشتند.

۶۶- روزنامه عراق عجم: این روزنامه در تهران و در ۱۳۲۵ هـ ق منتشر شده است ر.ک:

محمد صدرهاشمی: تاریخ جراید و مجلات ایران چ چهارم ص ۱۱-۱۲.

۶۷- روزنامه کاوه شماره ۲۰ ص ۷.

۶۸- روزنامه آفتاب: روزنامه نیم رسمی به حساب می آمد که در سال ۱۳۳۲ ادیب‌الملک

از طرف وزیر داخله مدیر آن شد و گویا وابسته به اعدالیون بوده است و می‌کوشید تا رضایت سفارتخانه‌های روسیه تزاری و انگلستان را جلب کند.

۶۹- مصمصام‌خان = مصمصام‌السلطنه بختیاری، نجفقلی‌خان که مکرراً در دوره دوم

مشروطیت به‌عنوان نخست‌وزیری رسید و مورد توجه سفارت انگلیس بود.

۷۰- ناصرالملک، ابوالقاسم قره‌گوزلو همدانی، مشیرحضور، ناصرالملک و نایب‌السلطنه

در ۱۲۸۲ هـ ق متولد و در ۱۳۴۶ هـ ق درگذشته است. مورد توجه سفارت انگلیس بود و از آن دولت

نشان داشت و در سال ۱۳۲۸ هـ ق بدستکاری و اشاره انگلیس از طرف مجلس شورای ملی بدنیابت

سلطنت (احمدشاه) رسید و اعتقاد چندانی هم به انقلاب مشروطیت نداشت ر.ک:

- مهدی بامداد : شرح حال رجال ایران. جلد اول ص ۶۶-۷۰.
- منصوره اتحادیه : پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت. ص ۲۸۵.
- ۷۱- گوئل کهن : تاریخ سانسور در مطبوعات ایران ج دوم ص ۶۲۶.
- ۷۲- مقصود خلع محمد علیشاه، و آغاز پادشاهی احمدشاه است .
- ۷۳- روزنامه کاوه شماره ۲۰ ص ۷.
- یادداشت‌های قزوینی بکوشش ایرج افشار ج ۸-۷ ص ۲۱۸۴.
- ۷۴- روزنامه کاوه شماره ۲۰ ص ۷.
- یحیی آرزین‌پور : از صبا تا نیما ج دوم ص ۱۳۸ .
- ۷۵- دیوان ادیب‌الممالک ص کا .
- ۷۶- دیوان ادیب‌الممالک ص ۴۵۶ .
- ۷۷- دیوان ادیب‌الممالک ص ۴۵۷ .
- ۷۸- دیوان ادیب‌الممالک ص ۵۵۴-۵۴۸ .
- ۷۹- یحیی آرزین‌پور : از صبا تا نیما ج دوم ص ۱۳۸.
- ۸۰- همان مأخذ ص ۱۳۹ .
- ۸۱- روزنامه ادب شماره اول سال نخست ص ۱-۲ .
- ۸۲- روزنامه ادب شماره اول سال نخست ص ۲.
- ۸۳- یحیی آرزین‌پور : از صبا تا نیما ج دوم ص ۱۳۹.
- ۸۴- همان مأخذ ص ۱۳۸.
- ۸۵- گوئل کهن : تاریخ سانسور در مطبوعات ایران ج دوم ص ۵۱.
- ۸۶- همان مأخذ ص ۸۶ «زیرنویس» .
- ۸۷- روزنامه ادب. سال سوم شماره سیزدهم دوشنبه ۲۸ ذی‌القعدة ۱۳۲۳ مطابق با ۲۵ فوریه ۱۹۰۴ ص ۹۷.
- ۸۸- همان مأخذ همان صفحه .
- ۸۹- روزنامه ادب شماره نخست تصویر شماره يك .

- ۹۰- محمود کتیرائی: فراماسونری در ایران ص ۱۲۷.
- ۹۱- محبتا طباطبائی: تاریخ تحلیل مطبوعات ایران ص ۲۵۹.
- ۹۲- میرزا رضاخان ارفع الدوله دانش: سرتیپ اول، جنرال آجودان، حضور همایون، معین الوزراء، امیر تومان، ارفع الدوله، پرنس، سردار و امیرنویان اکسیکه کلاس اول نظام را ندیده! پسر حاج شیخ حسن طرف ایروانی که در ۱۲۷۰ هـ ق هتولد و در ۱۳۱۶ خ درگذشت و در ۱۳۰۰ هـ ق بدنیات کنسولخانه تفلیس رسید و مدارج ترقی را با سرعت پیمود، محمدحسنخان اعتماد السلطنه او را رعیت روس می داند و جوان مزلف بشماره می آورد که تمام مشاغل را یا دادن پول، چابلوسی، تشبیه، تملق، اصرار زیاد و پشت هم اندازی بدست آورد. رک:
- مهدی یامدان: شرح حال رجال ایران ج اول ص ۵۰۷-۵۱۲.
- ۹۳- محمود کتیرائی: فراماسونری در ایران ص ۱۲۸.
- ۹۴- روزنامه ادب، شماره نخست سال اول ص ۸.
- ۹۵- محمدصدرهاشمی: تاریخ جراید و مطبوعات ایران ج اول ص ۸۵.
- ۹۶- روزنامه ادب، سال اول شماره ۱۲ ص ۹۵-۹۶.
- ۹۷- روزنامه ادب سال اول شماره ۳۵ ص ۲۲۵.
- ۹۸- روزنامه ادب دوره دوم شماره اول تصویر شماره ۲ سرلوحه.
- ۹۹- روزنامه ادب دوره دوم شماره اول ص ۲.
- ۱۰۰- روزنامه ادب دوره دوم شماره اول ص ۳.
- ۱۰۱- روزنامه ادب دوره دوم شماره ۶ ص ۴۸.
- ۱۰۲- دیوان ادیب الممالک ص ۷۲۶-۷۴۰.
- ۱۰۳- روزنامه ادب دوره دوم شماره ۶ ص ۴۶.
- ۱۰۴- روزنامه ادب دوره دوم شماره ۱۹ ص ۱۴۶.
- ۱۰۵- روزنامه ادب دوره سوم تصویر شماره ۳، سرلوحه.
- ۱۰۶- روزنامه ادب دوره سوم شماره یک تصویر شماره ۳.
- ۱۰۷- خاطرات و اسناد ظهیر الدوله. بکوشش ایرج افشار چاپ دوم، انتشارات زرین تهران ۱۳۶۷ ص ۶۴.

- ۱۰۸- گوئل کهن : تاریخ سانسور در مطبوعات ایران ج اول ص ۱۸۸.
- ۱۰۹- خاطرات و اسناد ظهیرالدوله ص ۶۴.
- ۱۱۰- روزنامه ادب، سال سوم شماره ۵ تصویر ۴.
- ۱۱۱- روزنامه ادب سال سوم شماره ۵ ص ۳۳.
- ۱۱۲- روزنامه ادب سال سوم شماره ششم تصویر ۶ و ۵.
- ۱۱۳- محمد صدرهاشمی : تاریخ جراید و مجلات ایران ج اول ص ۸۸-۸۹.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی